

دیوان بین‌المللی دادگستری اسلامی:

گامی به سوی یک نظام حقوقی بین‌المللی اسلامی

نویسنده: مایکل نومباردینی^۱

مترجم: دکتر محمود جلالی^۲

چکیده

مقاله حاضر، نظام حل و فصل دعاوی سازمان کنفرانس اسلامی از طریق دیوان بین‌المللی دادگستری اسلامی را که قرار است تأسیس گردد تشریح می‌نماید. اساسنامه دیوان که در سال ۱۹۸۷ پذیرفته شد، شریعت اسلامی یا حقوق اسلام را به عنوان حقوق بنیادینی که باید در حل و فصل اختلافات بین‌المللی به کار گرفته شود در نظر می‌گیرد. بنابر این، دیوان از خصوصیت مذهبی برخوردار خواهد بود که مجموعه قواعد مذهبی محلی را به عنوان قانون اولیه قابل اعمال مورد ملاحظه قرار خواهد داد. دیوان بین‌المللی دادگستری اسلامی هنوز تشکیل نشده است. بنابر این، تأسیس آن کشورهای اسلامی را تحت نظام قضایی بین‌المللی مشابهی در آورده و می‌تواند باعث تأثیر سیاسی زیادی بر روابط آنها با دولت اسرائیل و مسئله فلسطین گردد.

واژه‌های کلیدی:

حل و فصل اختلافات، دیوان بین‌المللی دادگستری اسلامی، حقوق بین‌الملل اسلامی، شریعت اسلامی، کشورهای مسلمان.

۱. مؤلف در دانشگاه ارسوس روتردام در هلند شاغل است. مقاله حاضر تحت عنوان: "The International Islamic Court of Justice: Towards an International Islamic Legal System" در شماره ۱۴ مجله حقوق بین‌الملل لندن سال ۲۰۰۱، صفحات ۶۸۰-۶۶۵ به چاپ رسیده است. مطالب مقاله نظرات نویسنده را منعکس می‌کند. (مترجم)

۲. استادیار گروه حقوق دانشگاه اصفهان

توضیحات مترجم:

طرح تأسیس دیوان بین‌المللی دادگستری اسلامی (د.ب.د.) در چهارچوب سازمان کنفرانس اسلامی (س.ک.ا.) و به عنوان چهارمین رکن آن (رکن قضایی) در حال تدوین است. قرار است این دیوان، که مرکب از هفت قاضی به انتخاب کنفرانس وزیران خارجه کشورهای عضو سازمان است و در کویت مستقر خواهد شد، از یک طرف به حل و فصل اختلافات اعضای سازمان و تفسیر منشور آن بپردازد (صلاحیت ترافعی) و از طرف دیگر، ارکان آن را با نظرات مشورتی خود یاری نماید (صلاحیت مشورتی). در حال حاضر در اسناد تأسیس سازمان، سازوکار رسیدگی قضایی در حل و فصل امور وجود ندارد و اختلافات اعضا اصولاً از طرق دیپلماتیک بررسی و رفع می‌شوند (ماده ۱۲ منشور س.ک.ا.).

مقاله حاضر، که به تحلیل مسائل مربوط به دیوان مذکور اختصاص دارد، از جهات زیادی دارای اهمیت است. این مقاله از این جهت که منعکس‌کننده نظرات نویسندگانی غیر مسلمان در باب موضوعی اسلامی است قابل توجه است. همچنین علی‌رغم وجود دادگاه‌های حل و فصل دعاوی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، در بین کشورهای اسلامی هیچ‌یک از آنها وجود ندارد. بنابر این، مطالعه این مقاله می‌تواند مشوق ذهن حقوقدانان و دولتمردان اسلامی نسبت به حمایت از تشکیل هرچه سریعتر د.ب.د. باشد. بدون شک اطلاع‌رسانی صحیح و مثبت در خصوص منافع و اهداف دیوان و نقش مهمی که این نهاد می‌تواند در کاهش تعداد دعاوی و جنگ و خونریزی بین کشورهای عضو ایفاء نماید، گام بزرگی برای نظام حل و فصل دعاوی بین‌المللی محسوب خواهد شد.

با این حال، ایرادهای وارد بر مقاله نیز قابل چشم‌پوشی نیست. نویسنده محترم از منابع تحقیقاتی زیادی جهت تجزیه و تحلیل موضوع استفاده نکرده و در میان مآخذی که استفاده شده نیز جای آثار حقوقدانان و صاحب‌نظران مشهورتر خالی است. این امر می‌تواند ناشی از کمبود اطلاعات نویسنده درباره حقوق اسلام، خصوصاً مباحث مربوط به دیدگاه اسلام در باب روابط خارجی، حقوق بین‌الملل، و منابع و مبانی اسلامی، باشد. همچنین، در پاره‌ای از موارد، نگارنده از بحث اصلی مقاله که د.ب.د. است خارج شده و به بحث پیرامون س.ک.ا. پرداخته است. البته نازه بودن مطلب و اینکه شاید مقاله حاضر تاکنون یگانه مقاله منتشره در خصوص آن دیوان بوده است که در مجله بسیار معتبر حقوقی بین‌المللی چاپ گردیده، برخی از ضعف‌های فوق‌الذکر را توجیه می‌نماید.

دهمین اجلاس سران س.ک.ا. با برنامۀ اصلی «دانش و اخلاق پیشرفت امت (اسلام)» قرار است از ۱۶ لغایت ۱۸ اکتبر ۲۰۰۳ در مالزی برگزار گردد. بدون تردید تشکیل دیوان نقش مهمی در پیشرفت این امت به طور خاص و جامعۀ بین‌المللی به طور عام خواهد داشت. گرچه امروزه مسائل و مشکلات بین‌المللی، از جمله مبارزه با تروریسم، بیماری‌های فراگیر و آلودگی محیط زیست، نیاز به همکاری کل جامعۀ بین‌المللی دارد، ولی بر اساس مواد ۳۳ و ۵۲ منشور سازمان ملل متحد، ترتیبات و سازمان‌های منطقه‌ای نیز می‌توانند اقدامات مؤثری در حل این معضلات جهانی انجام دهند.

در ترجمۀ مقاله حاضر حتی الامکان تلاش شده است تا امانت رعایت شود و ترجمۀ ارائه شده نه تحت‌اللفظی صرف و نه برداشت آزاد مترجم از متن اصلی، بلکه به صورت روان و قابل فهم باشد. در معادل‌گزینی و کاربرد واژه‌ها و اصطلاحات، حداکثر تلاش صورت گرفته تا بهترین گزینه‌ها به کار گرفته شود. همچنین، کلیه باورقی‌ها، به استثنای معادل انگلیسی کلمات و اصطلاحات، متعلق به نویسنده محترم بوده که عیناً و در جای خود در متن اصلی آورده شده‌اند.

۱. مقدمه

سازمان کنفرانس اسلامی (از این پس س.ک.ا.)^۱ نهادی بین‌المللی، بین‌الدولی است که اکثر کشورهای اسلامی را در بر می‌گیرد. این سازمان در طول سال‌های دهه هشتاد میلادی، تأسیس دیوان بین‌المللی دادگستری اسلامی (از این پس دادگاه اسلامی، یا د.ب.ا.)^۲ را به عنوان رکن قضایی سازمان پیشنهاد کرد و مسئولیت حل و فصل مسألت‌آمیز اختلافاتی را که بین کشورهای عضو به وجود می‌آید برای آن در نظر گرفت. اگرچه این دادگاه اسلامی هنوز تأسیس نشده است، اما ویژگی اساسنامه تشکیل دهنده آن، این است که این رکن را به یک موضوع جالب برای بحث و پژوهش تبدیل می‌کند. بویژه، بی‌نظیر بودن آن بر پایه این ملاحظه است که دیوان شریعت یا حقوق اسلامی را به عنوان قانون اولیه قابل اعمال در نظر می‌گیرد. کشورهای اسلامی تشکیل دهنده س.ک.ا.، شریعت اسلامی را به عنوان ابزاری مفید جهت گسترش و تقویت چهارچوب حقوق بین‌الملل در این زمینه، برای حل و فصل اختلافات در نظر گرفته‌اند. آنها، خواه به صورت واقعی و خواه نمادین،

1. Organization of the Islamic Conference

2. International Islamic Court of Justice

ضرورت ایجاد یک نهاد قضایی را که در حل و فصل مسألت‌آمیز اختلافات به وجود آمده بینشان از طریق به کارگیری شریعت اسلامی صلاحیت داشته باشد، احساس کردند. اگر احتمالاً دادگاه اسلامی به وجود آید ماهیت سکولار خواهد داشت ولی یک مجموعه قواعد مذهبی محلی را به عنوان قانون قابل اعمال برای حل اختلافات بین‌المللی در نظر خواهد گرفت.

تأسیس بالقوه دادگاه اسلامی سؤالات گوناگونی را برمی‌انگیزد. به عنوان مثال، تشکیل د.ب.د.ا در میان تعداد رو به گسترش محاکم بین‌المللی به چه معنی است؟ از آنجا که تنها کشورهای اسلامی می‌توانند تحت پوشش د.ب.د.ا قرار گیرند، در مورد تعارض صلاحیتی که بین یک کشور اسلامی با یک کشور غیر اسلامی طرف همان دعوا مطرح گردد چه اتفاقی می‌افتد؟ سرانجام، عملکرد د.ب.د.ا ممکن است بر مسأله فلسطین و ارتباط با دولت اسرائیل تأثیر سیاسی بسیار قوی داشته باشد. به کارگیری قوانین مشابه احتمالاً بر به هم پیوستن کشورهای اسلامی تأثیر دارد و باعث ایجاد پیامدهای بالقوه‌ای برای موازنه دیپلماتیک و سیاسی در منطقه عرب‌نشین می‌شود. اسرائیل در برابر گروهی از کشورهای مسلمان که شاید برای اولین بار یک نظام قضایی بین‌المللی مشترک بر آنها حکومت خواهد کرد چه واکنشی نشان خواهد داد؟

در بررسی د.ب.د.ا همه این مفاهیم باید در نظر گرفته شوند. با این حال، تنها بخشی از آنها ممکن است به تفصیل مورد بحث قرار گیرند. همان‌طور که گفته شد، این دادگاه اسلامی هنوز تأسیس نشده و با فقدان رویه قضایی آن مرجع، توصیف این دادگاه و جنبه‌های مرتبط با آن، تنها بر پایه تجزیه و تحلیل اساسنامه آن و در چهارچوب بافت تاریخی و سیاسی س.ک.ا. ممکن است.

۲. تأسیس و چهارچوب ساختاری سازمان کنفرانس اسلامی

به دنبال به آتش کشیده شدن مسجدالاقصی^۱ توسط شهروندان اسرائیلی در اورشلیم، در ۲۱ آگوست ۱۹۶۹، اولین کنفرانس سران اسلامی^۲ مرکب از پادشاهان و سران دول کشورهای اسلامی، از ۲۲ تا ۲۵ سپتامبر ۱۹۶۹ در رباط (مراکش) برگزار گردید.^۳ سران کشورهای اسلامی با ملزم کردن خود به ترویج همکاری نزدیک و کمک متقابل در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و معنوی، با هم متحد شدند تا هر چه سریعتر با مسأله فلسطین

۱. مکانی که پیامبر(ص) از مدینه به آنجا و از آنجا به معراج رفت.

۲. در این کنفرانس (سران کشورهای اسلامی) تعداد ۲۴ پادشاه و رئیس دولت و هیاتی که نمایندگی سازمان آزادبخش فلسطین را بر عهده داشت شرکت کردند.

۳. بگردید به:

برخورد نموده و از خود واکنش نشان دهند. ملوک فیصل، پادشاه عربستان، اولین کنفرانس اسلامی وزرای امور خارجه را در جده (۲۳ تا ۲۵ مارس ۱۹۷۰) افتتاح نمود. نتیجه این کنفرانس آن بود که در نهایت، سازمان کنفرانس اسلامی و دبیرخانه دائمی آن در جده ایجاد گردید تا به عنوان مرجعی تأثیرگذار در جهت همکاری اسلامی، برنامه‌های اقتصادی و سیاسی را با آینده همبستگی اسلامی به هم پیوند دهد. احساسات مذهبی اولیه که منجر به ایجاد س.ک.ا گردید، در ارگان‌های دیصلاح و دائمی آن به صورت نهادینه درآمدند. این سازمان تازه تأسیس شده، اولین نهاد همکاری بین دول است که به صورت مؤسسه‌ای رسمی و سراسری در [جهان] اسلام به وجود آمد تا در آن، کشورهای اسلامی، صرفنظر از مرزهای جغرافیایی، عقاید مشترک خود را بیان کنند. در حال حاضر این سازمان بزرگترین نهاد بین‌المللی اسلامی است که کشورهای نامتجانس زیادی را با پیشینه‌های تاریخی، سیاسی و فرهنگی متفاوت در بر می‌گیرد. این سازمان از ۵۶ کشور عضو تشکیل یافته که عمدتاً در قاره‌های آسیا و آفریقا واقع شده‌اند، وسعت نواحی جغرافیایی تحت پوشش این سازمان، اهمیت استراتژیک آن را از نظر دریا‌های بین‌المللی و عبور هوایی بالا می‌برد.

دلایل تاریخی که منجر به ایجاد س.ک.ا گردید نقش مهمی را که اسلام ایفا می‌کند به وضوح نشان می‌دهد. کشورهای عضو، اسلام را به عنوان منبع معتبری برای هویت، یکپارچگی و وحدت خود انتخاب کردند. علی‌رغم نقش اساسی که اسلام ایفا می‌کند، صحیح نیست که تصور کنیم س.ک.ا در چهارچوب مفهوم امت، یعنی مفهومی که از نظر لفظی به معنای اجتماعی از معتقدین است و یک وحدت سیاسی را پایه‌گذاری نمی‌کند،

۱. بنگرید به:

1. J. Esposito, *Islam and Politics* 108 (University of Syracuse, 1984).

۲. بنگرید به:

R. N. Ahari, "The Organization of the Islamic Conference: Positive and Negative Grounds for Future Activities", IX(3) *Iranian Journal of International Affairs*, 403(1997).

۳. کشورهای عضو عبارتند از افغانستان، آلبانی، الجزایر، آذربایجان، بحرین، بنگلادش، چین، برونی، بوركینافاسو، کامرون، چاد، کوموروز، جیبوتی، مصر، گابن، گامبیا، گینه، گینه بیسائو، غنا، اندونزی، ایران، عراق، اردن، قزاقستان، کویت، قرقیزستان، لبنان، لیبی، مالزی، مالدیو، مالی، موریشانی، مراکش، موزامبیک، نجر، نجر به، عمان، پاکستان، فلسطین، قطر، عربستان سعودی، سنگال، سیرالئون، سومالی، سودان، سورینام، سوریه، تاجیکستان، توگو، تونس، ترکیه، ترکمنستان، اوگاندا، امارات متحده عربی، ازبکستان، و یمن.

۴. بنگرید به:

N. A. Baba, "The Organization of the Islamic Conference: Conceptual Framework and Institutional Structure" IX(3) *Iranian Journal of International Affairs* 342(1997).

عمل می‌نماید. س.ک.ا سازمانی بین‌المللی و متشکل از دولت‌های حاکم است و بنابراین در چهارچوب ساختار حقوق بین‌الملل مشترکی کار می‌کند که دولت‌های عضو آن اصلی‌ترین موضوع آن حقوق هستند. با وجود این، س.ک.ا پاره‌ای ویژگی‌های مخصوص به خود دارد که از آن پدیده‌ای نو می‌سازد. اولین خصوصیت این است که س.ک.ا احتمالاً تنها نهاد بین‌الدول بین‌المللی است که بر پایه‌های مذهبی بنا نهاده شده و این پایه‌ها جزء لاینفک آن بوده و فراتر از تعهدات منطقه‌ای و ایدئولوژی‌های ملی است. دومین ویژگی آن این است که سازمان در این معنی که نه نهادی جهانی و نه متعلقه‌ای است، منحصر به فرد است. این سازمان در اصل بر اساس ارتباطات ایدئولوژیک با ماهیت مذهبی بنا شده است. از این دیدگاه، س.ک.ا نوعی ماهیت حمایت‌گونه دارد. به‌طور بالقوه در کشوری که در آن اسلام مذهب اکثریت مردم است می‌تواند عضو س.ک.ا شود.^۱ سومین ویژگی این است که این سازمان دیدگاهی کاملاً سیاسی دارد و بنابراین تنش‌های عمده جنگ سرد را منعکس می‌کند. مثال این مورد بند ۵ ماده ۶ منشور است که مقرر می‌دارد تا زمان آزادی اورشلیم مقرر س.ک.ا باید در جده باشد.

منشور تأسیس سازمان در سومین جلسه وزیران امور خارجه در سال ۱۹۷۲ در جده پذیرفته و در ۲۸ فوریه ۱۹۷۳ لازم‌الاجرا شد. اهداف س.ک.ا در بند (الف) ماده ۲ منشور آن آمده است. هدف اصلی آن رسیدن به همبستگی اسلامی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. بسیاری از اهداف دیگر که به‌طور وسیعی رسمیت یافته‌اند، نظیر الغای تبعیض نژادی و استعمار و حمایت از صلح و امنیت بین‌المللی نیز در زمره اهداف سازمان هستند. پاراگراف پنجم بند (الف) ماده ۲ شامل تعهدات کشورهای عضو در مقابل حراست از اماکن مقدس و آزادی سرزمین‌های فلسطین است. اصول س.ک.ا در پاراگراف‌های متعدد بند (ب) ماده ۲ اساسنامه آن آمده‌اند. ماهیت حقوقی این اصول، اعلام‌کننده اصول کلی حقوق بین‌الملل عرفی موجود است که حقوق بین‌الملل اسلامی امروز را شکل می‌دهند.^۲

همچنان که از نام سازمان پیداست، منشور آن برگزاری سلسله کنفرانس‌هایی را در سطوح مختلف پیشنهاد می‌کند که نمایانگر نهادهای اصلی سیاست‌گذاری می‌باشند. س.ک.ا از سه نهاد عمده تشکیل یافته است: کنفرانس پادشاهان، سران و رهبران، که با نام

۱. همان منبع، صص. ۳۴۵ تا ۳۴۷.

۲. به عنوان مثال، حاکمیت و برابری، خودداری از نهاد و استفاده از زور، حق تعیین سرنوشت، حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات و عدم مداخله، از اصول حقوق بین‌الملل عمومی می‌باشند که در منشور س.ک.ا نیز آمده‌اند.

«کنفرانس سران عالی‌رتبه اسلامی»، عالی‌ترین قدرت سازمان است.^۱ ایسن کنفرانس اصلی‌ترین مرجعی است که در آن رهبران اسلامی به منظور دستیابی به اهداف سازمان به طور دوره‌ای سیاست‌ها و استراتژی‌های اسلامی^۲ را تصویب می‌کنند.^۳ کنفرانس اسلامی وزرای امور خارجه^۴ (ICFM) دومین رکن سیاست‌گذاری س.ک.ا است که مسئولیت آن اجرای سیاست‌های کنفرانس، نصب دبیر کل سازمان و پذیرفتن توصیه‌ها و قطعنامه‌ها با دوسوم اکثریت آرا است. سومین نهاد ساختاری س.ک.ا دبیرخانه می‌باشد.^۵ مقرر این سازمان در شهر جده است و ریاست آن را دبیر کل بر عهده دارد. دبیر کل با ایجاد ارتباط منظم بین کشورهای عضو و دادن اطلاعاتی که برای این کشورها حائز اهمیت است با سازمان همکاری همه‌جانبه‌ای دارد.

۲-۱ ارتباط سازمان با برخی از مسائل بین‌المللی

با توجه به فقدان رویه قضایی دادگاه اسلامی مورد نظر، ارزشمند خواهد بود اگر موضع کنفرانس در مورد دومین جنگ خلیج [فارس] را مورد اشاره قرار دهیم. هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی س.ک.ا در سال ۱۹۹۷ در تهران برگزار شد و قطعنامه شماره P-۱۱/۸ را در مورد عواقب تجاوز عراق علیه کویت و ضرورت اجرای کلیه قطعنامه‌های مربوطه شورای امنیت توسط عراق به تصویب رسانید. این قطعنامه حمله نظامی عراق را بر اساس قسمت ۱ بند (الف) ماده ۲ منشور سازمان، که حاوی اصل بنیادین همبستگی کشورهای اسلامی عضو است، محکوم کرد. قطعنامه بر اهمیت اصول و اهداف

۱. ماده ۴ منشور س.ک.ا.

۲. بنگرید به منبع مذکور در پاروئی شماره ۶ فوق‌الذکر: ص ۸۲۷.

۳. تا زمان نگارش مقاله ۹ کنفرانس سران برگزار شده است: رباط، پادشاهی مراکش (۲۲ تا ۲۵ سپتامبر ۱۹۶۹)، لاهور: جمهوری اسلامی پاکستان (۲۲ تا ۲۴ فوریه ۱۹۷۴)؛ طائف، پادشاهی عربستان سعودی (۲۵ تا ۲۸ ژانویه ۱۹۸۱)؛ کازابلانکا، پادشاهی مراکش (۱۶ تا ۱۹ ژانویه ۱۹۸۴)؛ کویت، دولت کویت (۲۶ تا ۲۹ ژانویه ۱۹۸۷)؛ داکاره، جمهوری سنگال (۹ تا ۱۲ دسامبر ۱۹۹۱)؛ تهران، جمهوری اسلامی ایران (۹ تا ۱۱ دسامبر ۱۹۹۷)؛ ووجه، دولت قطر (۱۲ تا ۱۳ نوامبر ۲۰۰۰).

۴. ماده ۵ منشور س.ک.ا.

5. Islamic Conference of Foreign Ministers

۶. بنگرید به ماده ۶ منشور س.ک.ا. تاکنون دبیر کلی سازمان را به ترتیب، این افراد بر عهده داشته‌اند: تونکو عبد الرحمن (مالزی) از ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۳؛ حسن الشحامی (مصر) از ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۵؛ عبد الکریم غایه (سنگال) از ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹؛ حبیب شعلی (تونس) از ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۵؛ شریف الدین پیرزاده (پاکستان) از ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۸؛ دکتر حمید الجبید (نیجر) از ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۶؛ استاد دکتر عزالدین لراکمی (مراکش) از ۱۹۹۶ تاکنون. (مترجم: از سال ۲۰۰۱ تاکنون دکتر عبدالاحد از مراکش دبیر کل می‌باشد.)

مذکور در منشور س.ک.ا. تأکید دارد و از عراق می‌خواهد که به تعهداتش بر اساس قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد عمل کند و همکاری کامل و ثمربخشی با کمیته بین‌المللی صلیب سرخ داشته باشد. همچنین این سند تأیید می‌نماید که عراق مسئول اجرای پاراگراف ۱۶ قطعنامه ۶۸۶ شورای امنیت خواهد بود که در سال ۱۹۹۱ طبق فصل هفتم منشور تصویب گردید و شورای امنیت توسط آن، صندوق جبران خسارت و کمیسیون غرامت سازمان ملل متحد را به وجود آورد.^۱ قطعنامه سازمان کنفرانس اسلامی در پایان بر نابودی همه سلاح‌های انهدام فراگیر تأکید می‌کند و از تلاش‌های سازمان ملل متحد برای فراهم کردن کمک‌های بشردوستانه به مردم عراق استقبال می‌نماید.

سند موصوف نشان‌دهنده همخوانی موضع س.ک.ا. با سازمان ملل متحد بوده و بحث روابط بین این دو سازمان را مطرح می‌کند. در خصوص همکاری با س.ک.ا. سازمان ملل متحد دو سند مهم را به تصویب رسانده است: گزارش مجمع عمومی سازمان ملل متحد درباره همکاری بین سازمان ملل متحد و س.ک.ا. مصوب ۲ سپتامبر ۱۹۹۹، و قطعنامه همکاری سازمان ملل متحد و س.ک.ا. که توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۵ نوامبر ۱۹۹۹ به تصویب رسید.^۲ هر دو سند بر اهمیت همکاری‌های متقابل و دوجانبه سازمان ملل متحد و س.ک.ا. در زمینه‌های مختلف، از جمله صلح بین‌المللی، حق تعیین سرنوشت، منع تبعیض نژادی، حقوق بنیادین بشر و توسعه اقتصادی و تکنولوژیک تأکید دارند. تأکید ویژه‌ای نیز بر تلاش‌های مربوط به حفظ صلح به عنوان بُعد جدید همکاری بین دو سازمان صورت گرفته است. بیست و هفتمین اجلاس کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی که از ۲۷ تا ۳۰ ژوئن ۲۰۰۰ در کوالالمپور مالزی برگزار شد، قطعنامه شماره ۱/۲۷-ORC را در خصوص همکاری بین س.ک.ا. با سازمان ملل متحد به تصویب رساند. این قطعنامه خواستار تحکیم سازوکارهای همکاری بین س.ک.ا. و سازمان ملل و آژانس‌های تخصصی آن در زمینه بعضی از مشکلات جهانی، از قبیل صلح و امنیت بین‌المللی، دیپلماسی بازدارنده، خلع سلاح، حق تعیین سرنوشت، استعمارزدایی، منع تبعیض نژادی، حقوق بنیادین بشر، توسعه اجتماعی و اقتصادی و همکاری فنی می‌باشد. در نهایت، نهمین اجلاس سران کشورهای اسلامی با حضور نماینده سازمان ملل متحد به عنوان عضو ناظر، در نوامبر سال ۲۰۰۰ در دوحه قطر برگزار شد و قطعنامه شماره ۱/۹۲

۱. قطعنامه ۶۸۷ مورخ ۲۳ آوریل ۱۹۹۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد، نظام جبران خسارتی را علیه عراق اعمال می‌نماید که به موجب آن، عراق بر اساس حقوق بین‌الملل مسئول جبران خسارت وارده مستقیم و غیر مستقیم، از جمله بر محیط زیست و منابع طبیعی و بر دولت‌ها، اتباع و شرکت‌های خارجی می‌باشد.

2. Distr. General, UN Doc. A/RES/54/7 (5 November 1999).

۲۶ را در خصوص اصلاح ساختار سازمان ملل متحد و توسعه و اصلاح شورای امنیت به تصویب رساند. اخیراً نارضایتی کشورهای اسلامی باعث تقاضای یک کرسی دائمی در شورای امنیت سازمان ملل متحد شده است. قطعنامه اخیر به منظور انعکاس وضعیت سیاسی فعلی در زمینه روابط بین‌الملل، خواستار روند دموکراتیک‌سازی در شورای امنیت می‌باشد. به علاوه، این قطعنامه نیاز کشورهای در حال توسعه را به حضور بیشتر در عرصه بین‌المللی مورد اشاره قرار می‌دهد و خواستار بسط شورای امنیت سازمان ملل متحد با توجه به توزیع جغرافیایی منصفانه و حاکمیت برابر کشورهاست.

همان‌طور که قبلاً در مقدمه ذکر شد، مسأله فلسطین و ارتباط با دولت اسرائیل از مهم‌ترین موضوعات برای کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی است. نهمین اجلاس سران کشورهای اسلامی، از ۱۲ تا ۱۳ نوامبر سال ۲۰۰۰ در دوحه قطر در اوج آشوب‌ها در سرزمین‌های اشغالی فلسطین^۱ برگزار شد و تصمیم به دادن نام «انتفاضة الاقصى» به اجلاس صلح و توسعه، بیانگر نگرانی خاص کشورهای عضو س.ک.ا را نسبت به وضعیت ویژه در سرزمین‌های اشغالی فلسطین در آن زمان بود. نهمین کنفرانس سران کشورهای اسلامی، قطعنامه شماره ۵۹۰۰ P را در مورد موقعیت جاری روند صلح در خاورمیانه به تصویب رساند. این قطعنامه خواهان همبستگی کامل با مردم فلسطین برای بازگشت، حق تعیین سرنوشت و تأسیس کشور مستقل فلسطین به پایتختی قدس شریف در سرزمین‌های ملی آنان است. این قطعنامه همچنین تعهد س.ک.ا را نسبت به روند صلح خاورمیانه منوط به اجرای تمامی قطعنامه‌های مربوطه شورای امنیت توسط اسرائیل می‌کند و حمله نظامی اسرائیل بر ضد مردم فلسطین را محکوم و سیاست دولت اسرائیل را مخالف روند صلح می‌داند. در پایان، قطعنامه از کشورهای عضو می‌خواهد تا در روابط خود با اسرائیل تجدید نظر نموده و نسبت به بستن دفاتر مأموریتی اسرائیل و مراکز آن دولت اقدام کنند و تا زمانی که این کشور به تمامی قطعنامه‌های سازمان ملل متحد عمل نماید روابط تجاری خود را با اسرائیل قطع نمایند. در آینده‌ای نزدیک، چنانچه ایجاد دادگاه اسلامی تحقق یابد، کشورهای اسلامی تحت یک نظام قضایی واحد متحد خواهند شد. وجود چنین رگتی که از قدرت ایجاد رویه قضایی مبتنی بر تفسیر و اجرای هنجارهای اسلامی برخوردار است، باعث تقویت اتحاد و همکاری بین کشورهای مسلمان خواهد بود و روابط خارجی کشورهای عربی را متأثر خواهد ساخت.

۱. این موج جدید آشوب‌ها «انتفاضة دوم» نام گرفته است.

۳. دیوان بین‌المللی دادگستری اسلامی

ارکان س.ک.ا. صلاحیت ارائه آیین خاصی را برای حل اختلاف ندارند. منشور سازمان در قسمت ۴ بند (ب) ماده ۲ به حل و فصل دعاوی بین‌المللی اشاره دارد. این مقررات به کشورهای عضو اجازه‌ی توسل به روش‌های حقوقی یا دیپلماتیک، از قبیل مذاکره، میانجیگری، داوری و آشتی را می‌دهد. صرف‌نظر از این مقررات، منشور س.ک.ا. سازوکار جامعی که بتوان با استفاده از آن از افزایش اختلاف بین کشورهای عضو جلوگیری کرد، ندارد. با وجود این، در ابتدای دهه هشتاد، سازمان دیدگاه خود را نسبت به این موضوع کاملاً عوض کرد و پیشنهاد ایجاد دیوان بین‌المللی دادگستری اسلامی را تدوین کرد. باید توجه داشت که پیشنهاد تأسیس دیوان بین‌المللی دادگستری اسلامی در خلال گسترش جنگ اول خلیج [فارس] بین ایران و عراق (۱۹۸۸-۱۹۹۰) و کمی قبل از تهاجم عراق علیه کویت، که منجر به جنگ دوم خلیج [فارس] در سال ۱۹۹۱ شد، یعنی دو مخاصمه‌ای که باعث ایجاد اختلاف بین کشورهای اسلامی گردید، شکل گرفت. از یک طرف جنگ اول خلیج [فارس] می‌توانست نشان‌دهنده نیاز شدید به یک رکن قضایی برای حل اختلافات بین‌المللی باشد و از طرف دیگر، حمله علیه کشوری که مقر دادگاه می‌بایست در آن ایجاد می‌شد (کویت)، می‌توانست نشان‌دهنده فقدان یک پایه واقعی همکاری برای به کار انداختن دیوان و شناسایی ارزش آن باشد.

تصمیم شماره P-۱۱/۳ که توسط سومین کنفرانس سران کشورهای اسلامی در سال ۱۹۸۱ در طائف گرفته شد، تأسیس این دادگاه اسلامی را به عنوان چهارمین رکن سازمان با مسؤولیت حل و فصل مسأله‌آمیز اختلافات بین کشورهای عضو در نظر گرفت. دبیرکل س.ک.ا. در ژانویه سال ۱۹۸۳ گروهی از متخصصین را برای طراحی اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری اسلامی تعیین کرد. نسخه نهایی اساسنامه در ۲۹ ژانویه ۱۹۸۷ مورد موافقت قرار گرفت. پنجمین اجلاس سران کشورهای اسلامی در همان سال در کویت برگزار شد و قطعنامه شماره P-۱۳/۵ را در مورد تأسیس دادگاه اسلامی به تصویب رساند. بند اجرایی این قطعنامه مطالب زیر را مطرح می‌کند:

الف) کنفرانس پیش‌نویس اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری اسلامی را بر اساس صلاحیت اختیاری به تصویب می‌رساند.

ب) کنفرانس همچنین تصمیم می‌گیرد پاراگراف چهارمی (د) را به ماده ۳ منشور سازمان کنفرانس اسلامی به صورت زیر اضافه کند: (دیوان بین‌المللی دادگستری اسلامی) وظایف خود را مطابق اساسنامه‌اش انجام خواهد داد. که این اساسنامه ضمیمه منشور است و قسمت تکمیلی منشور محسوب می‌گردد.

ماده ۲ اساسنامه دیوان تأکید می‌کند که مقرر دیوان باید در کویت باشد. ماده ۴۹ تأکید می‌نماید که دیوان زمانی تشکیل خواهد شد که حد نصاب لازم، مذکور در ماده ۱۱ منشور سازمان، که برای اصلاح منشور ضروری است، اساسنامه را تصویب کنند. بر اساس ماده ۱۱ رأی اکثریت دوسوم کشورهای عضو برای اصلاح منشور مورد نیاز است. تاکنون فقط ۸ کشور عضو، اساسنامه دیوان اسلامی را تصویب کرده‌اند، که عبارتند از: دولت کویت، پادشاهی عربستان سعودی، پادشاهی اردن هاشمی، جمهوری عربی مردمی و سوسیالیستی لیبی، دولت بحرین، قطر، مصر، و جمهوری مالدیو. با وجود این، برای دایر شدن د.ب.د.ا هنوز به ۳۴ سند تصویب نیاز است. نظر به اینکه س.ک.ا. سزرگترین سازمان بین‌المللی اسلامی است، دیوان آن یکی از جامع‌ترین مراجع حل و فصل اختلافات بین‌المللی خواهد بود که بسیاری از دولت‌ها با فرهنگ‌ها و سوابق اجتماعی مختلف را شامل خواهد شد.

۱،۳ ساختار دیوان

۱،۱،۳ ترکیب

مطابق بند (الف) ماده ۳ اساسنامه، دیوان اسلامی مرکب از هفت قاضی خواهد بود که برای چهار سال انتخاب می‌شوند و فقط برای یک دوره دیگر قابل تجدید هستند. بر اساس ماده ۴ اساسنامه، انتصاب قاضی در د.ب.د.ا.تها در صورتی ممکن است که فرد، واجد این شرایط باشد: (۱) مسلمان باشد، (۲) یکی از اتباع دولت‌های عضو س.ک.ا. باشد، (۳) دارای ویژگی‌های اخلاقی عالی باشد، (۴) سن وی کمتر از چهل سال نباشد، (۵) در شرع، صاحب‌نظر و در حقوق بین‌الملل دارای تجربه باشد، و (۶) برای تصدی عالی‌ترین مقام قضایی در کشور خود واجد صلاحیت باشد. رئیس به وسیله دیوان و از میان اعضای آن انتخاب خواهد شد. در این رابطه جالب است توجه کنیم که مطابق نظریه اکثریت، در دادگاه‌های حقوقی اسلامی تنها مردان می‌توانند به عنوان قاضی منصوب شوند. این شرط صریحاً در اساسنامه دادگاه اسلامی ذکر نشده است.

آیین انتخاب قضات در پاراگراف‌های مختلفی از ماده ۵ آمده است. قضات در اجلاس ویژه کنفرانس وزیران امور خارجه با رأی مخفی از فهرست نامزدان کشورهای عضو که توسط دبیر کل آماده شده انتخاب می‌گردند. برای اینکه بتوان به عنوان قاضی دادگاه انتخاب گردید نیاز به اکثریت مطلق آراء می‌باشد. مطابق با بند (ه) ماده ۵، انتخاب رئیس و قضات دیوان بر اساس تقسیمات جغرافیایی و زبانی کشورهای عضو صورت خواهد گرفت. مطابق ماده ۸ اساسنامه دیوان، قضات نمی‌توانند هیچ گونه فعالیت سیاسی یا

فعالیت دیگری که مطابق با منصب قضا نیست داشته باشند. آنها نمی‌توانند در حل و فصل مواردی که سابقاً به آنها به‌عنوان عضو دادگاه بین‌المللی یا ملی ارجاع شده است دخالت نمایند. بر اساس بند (الف) ماده ۱۰: قضات د.ب.د.ا. از امتیازات و مصونیت‌هایی که دولت‌های عضو در کشورهای یکدیگر دارند و با س.ک.ا. مطابقت دارد، آن‌گونه که در کنوانسیون امتیازات و مصونیت‌های سال ۱۹۷۶ سازمان کنفرانس اسلامی است، برخوردارند. به علاوه، بند (ب) ماده ۱۰، انعقاد کنوانسیون دیگری را در خصوص مزایا و مصونیت‌ها در مطابقت با اصول بین‌المللی بین دبیر کل س.ک.ا. و کشوری که مقرر دادگاه در آن قرار دارد پیش‌بینی کرده است. ماده ۱۵ امکان ایجاد شعبات خاص برای حل و فصل امور اضطراری یا ویژه را برای دیوان در نظر می‌گیرد. ماده ۱۶ امکان تعیین قاضی اختصاصی (ad hoc) را به طرفین می‌دهد. این قضات (اختصاصی) ممکن است تابعیت خود طرفین را داشته باشند یا از میان اتباع کشورهای عضو س.ک.ا. انتخاب گردند.

۳، ۲، ۱، ۳ صلاحیت

دیوان اسلامی دارای دو صلاحیت ترافعی و مشورتی است. بند (الف) ماده ۲۱ اساسنامه در مورد صلاحیت ترافعی مقرر می‌دارد: فقط کشورهای عضو س.ک.ا. می‌توانند نزد دادگاه حاضر شوند. لیکن طبق بند (ب) ماده ۲۱، کشوری که عضو س.ک.ا. نیست نیز می‌تواند نزد دیوان اسلامی شکایت مطرح کند، مشروط بر اینکه ابتدا صلاحیت دیوان را پذیرفته و آن را به‌عنوان آخرین راه حل، مورد پذیرش و شناسایی قرار دهد.

مطابق با ماده ۲۵ اساسنامه، دیوان صلاحیت رسیدگی به موارد زیر را دارد:

الف) همه اموری که کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی موافقت کنند که نزد دیوان مطرح نمایند.

ب) همه اموری که در یک معاهده یا کنوانسیون لازم‌الاجرا در صلاحیت دیوان قرار داده شده است.

ج) تفسیر هر معاهده یا کنوانسیون دو یا چندجانبه.

د) رسیدگی به هر موضوع حقوق بین‌الملل.

ه) شروع به رسیدگی مقدماتی در مورد هر موضوعی که نقض یک تعهد بین‌المللی محسوب می‌شود، اگر دیوان آن را واضح و آشکار بشناسد.

ز) تعیین ماهیت و میزان خسارت ناشی از نقض هر تعهد بین‌المللی.

در ماده ۲۶، قاعده مهم صلاحیت اختیاری د.ب.د.ا. آمده است. رضایت در مورد صلاحیت دیوان، باید از طریق اعلامیه مشخص شود. به وسیله این سند، کشورهای مربوطه

تمایل خود را در مورد شناسایی صلاحیت دادگاه اسلامی به صورت اجباری برای حل و فصل قضایی اختلافات بروز می‌دهند. چنین اعلامیه‌هایی تابع شرط متقابل نیستند و باید به دیر کل س. ک.ا. تقدیم شوند و وی کپی اعلامیه را برای دیگر کشورهای عضو خواهد فرستاد.

صلاحیت مشورتی دیوان به روی دولت‌ها مفتوح نیست. ماده ۴۲ اساسنامه صریحاً تأکید می‌کند که بر اساس تقاضای هر رکن س. ک.ا.، به شرطی که آن تقاضا به تأیید کنفرانس وزیران خارجه برسد، دادگاه اسلامی صلاحیت صدور نظریه مشورتی (یا فتوا) را در مورد هر مسأله حقوقی که مرتبط با مسأله‌ای نباشد که قبلاً نزد دادگاه اسلامی نبوده است، دارد.

۳.۱.۳ آرای (دیوان)

با توجه به بند (ج) ماده ۳۷ اساسنامه دیوان، آرای دیوان با اکثریت مطلق صادر می‌شود. بر اساس پاراگراف (د) آرا باید حاوی استدلال و نام قضاتی باشد که در صدور رأی شرکت نموده‌اند. ماده ۳۸ تصریح می‌کند که آراء فقط نسبت به طرفین اختلاف الزام آور است و ماده ۳۹ تصدیق می‌نماید که آراء، نهایی بوده و امکان پژوهش خواهی از آنها وجود ندارد. طبق بند (ج) ماده ۳۹، اگر یک طرف اختلاف از اجرای رأی دیوان عدول کند قضیه به کنفرانس وزیران امور خارجه ارجاع می‌شود.

۳.۱.۴ مقررات دیگر

طبق ماده ۱۲ اساسنامه، دیوان اسلامی به صورت دائمی کار می‌کند. ماده ۳۰ تصریح می‌نماید که رسیدگی نزد دیوان به دو مرحله شفاهی و کتبی تقسیم می‌شود و بالاخره ماده ۳۳ به دادگاه اسلامی قدرت اتخاذ اقدامات موقتی به منظور حمایت از حقوق طرفین اختلاف، قبل از صدور رأی نهایی را می‌دهد.

۴. اساسنامه ۵.ب.د.۱ و ارجاع خاص آن به حقوق اسلام

طبق ماده ۱ اساسنامه، ۵.ب.د.۱ رکن قضایی اصلی س. ک.ا. است و اجباراً مبتنی بر شریعت اسلامی است. بیان دقیق این ماده در ماده ۲۷ اساسنامه مربوط به قانون قابل اعمال به وسیله دیوان نیز مشاهده می‌شود. ماده اخیر می‌گوید:

الف) شریعت اسلامی قانون بنیادین دیوان بین‌المللی دادگستری اسلامی است.

ب) دیوان می‌تواند به حقوق بین‌الملل، کنوانسیون‌های بین‌المللی دو و چندجانبه، عرف بین‌المللی، اصول کلی حقوقی یا به آرای صادره به وسیله دادگاه‌های بین‌المللی استناد کند.

پاراگراف ۱ ماده ۲۷، شریعت اسلامی را به عنوان قانون بنیادین قابل اعمال توسط دیوان برای حل و فصل اختلافات بین‌المللی در نظر می‌گیرد. بنابر این، تأکید خاص بر خصوصیت مذهبی د.ب.د. به عنوان رکسنی که از قواعد مذهبی در این باره عدول نمی‌کند، می‌باشد. احتمالاً برای اولین بار در حقوق بین‌الملل است که یک دیوان اختصاصی نظام دینی محلی را به عنوان قانون قابل اعمال اولیه در حل و فصل مسألت‌آمیز اختلافات بین دولت‌ها در نظر می‌گیرد. پاراگراف ۲ ماده ۲۷ به عنوان منابع دیگر حقوق بین‌الملل، از عهدنامه‌های بین‌المللی، اصول کلی حقوقی و آرای صادر شده توسط سایر دادگاه‌ها نام می‌برد. لیکن همین پاراگراف می‌گوید که دیوان از این منابع الهام خواهد گرفت^۱، و باید توجه به این عبارت موسع معطوف شود. این مقررده از ماهیت حقوقی قوی برخوردار نمی‌باشد و این منابع را به عنوان منابع فرعی در نظر می‌گیرد تا زمانی که ضابطه و قاعده مشخصی در شریعت وجود نداشته باشد مورد استفاده قرار گیرند.

۱.۴ نگاه کلی در مورد حقوق اسلام

شریعت، نظام حقوقی کاملی است که بر هر موضوع مربوط به حقوق، ایمان و کلاً هر جنبه‌ای از زندگی یک مسلمان حاکم است. شریعت نه تنها آموزش‌های مذهبی را ارائه می‌نماید بلکه همه فعالیت‌های معتقدین خود را قانونمند می‌سازد. شریعت زمینه‌های بسیاری، از اقتصاد و سازمان خانواده تا سیاست و حقوق بین‌الملل را در بر می‌گیرد.

منابع شریعت می‌تواند به دو دسته تقسیم شود: دسته اول، از منابع اولیه، یعنی قرآن و سنت تشکیل شده است. قرآن یا کتاب خدا اولین منبع حقوق اسلام است که برای همه مسلمانان الزام‌آور است. در اسلام، قرآن کتاب مقدسی است که در طول یک دوره ۲۲ ساله به صورت متناوب و به دنبال حوادث خاصی در جامعه اسلامی، بر محمد پیامبر (ص) نازل شده است.^۲ هنجارهای اخلاقی و حقوقی قرآن بر جنبه‌های دیگر جامعه اسلامی مقدم می‌باشد. خود پیامبر اختیار قانونی و تفسیری خود را از قرآن به دست آورده است. به طور خلاصه، کلمات پیامبر خواست خداوند را منعکس می‌کنند.^۳ سنت را مثال یا الگوی

۱. بنگرید به:

H. Moinuddin, *The Islamic Conference and Legal Framework of Economic Co-operation among its Member States*, p.49 (Oxford, 1987).

۲. بنگرید به:

S. Mahmassani, *Falsafat Al-Tashri' Fi Al-Islam (The Philosophy of Jurisprudence in Islam)*, translation by Farhat J. Ziadeh, p. 66 (Leiden: Brill, 1961)

۳. بنگرید به:

رفتاری پیامبر تعریف کرده‌اند. سنت، قرآن عملی و دومین منبع مهم حقوق اسلامی است. قرآن نه یک مجموعه حقوقی جامع است و نه یک منبع محیط بر همه نکات مربوط به نظام اسلامی. به علاوه، قرآن بیشتر با آنچه پیامبر انجام داده و گفته است، و به طور خلاصه سنت او و روایت زندگی او، تفسیر می‌شود. سنت برای روشن کردن آنچه در قرآن بیان شده و استثنائات [قواعد] به کار می‌آید زیرا گفته‌ها و اعمال پیامبر به وسیله اطرافیان شنیده یا گواهی گردیده است.

دسته دوم منابع، مرکب از منابع کمکی، یعنی اجماع و قیاس هستند. اجماع یا اتفاق عقاید (کنسانسوس) به عنوان سومین منبع شریعت بعد از قرآن و سنت و به عنوان اولین منبع کمکی است. اجماع، توافق جامعه اسلامی در باب یک موضوع حقوقی است که برای متخصصین مذهبی در عصر خاصی استفاده کاربردی داشته است.^۱ فقهای مسلمان همیشه برای توجیه و تصدیق اجماع، به این دلیل که آیات قرآنی مشخص آن را توضیح می‌دهد، متوسل شده‌اند و گفته‌اند که اجماع عقاید باید به وسیله معتقدین رعایت شود. مطابق با نظر غالب فقها، اجماع ممکن است با بیان آشکار و صریح حاصل شده باشد یا با سکوت و عدم مخالفت.^۲ اجماع کمک زیادی به گسترش حقوق اسلامی کرده است، که این امر سبب ایجاد نظرات معتبری در همه مواردی که در قرآن یا سنت موجود نمی‌باشد گردیده است. قیاس یا استدلال منطقی چهارمین منبع شریعت است. ممکن است رأی دادگاه محدود بوده و نتوان آن را ورای پرونده مربوطه تعمیم داد اما با این حال، انگیزه نهفته در آن رأی را بتوان در شرایط مشابه اعمال نمود. در فقدان حکم وحی شده، یک قانون جدید ممکن است از طریق استدلال، از وضعیت قابل مقایسه در قرآن یا سنت استنتاج شود.^۳ فقها به کمک قیاس در مواردی که در منابع اولیه مواردی به وضوح بیان نشده است می‌توانند به صدور رأی اقدام کنند.

کاربرد منابع حقوق اسلام، به قضاوتی که در هر مورد باید صورت گیرد بستگی زیادی دارد. هدف اصلی و مهم چنین نظامی این است که به هر وسیله ممکن و در دسترس به عدالت [حکم خدا] برسد. کلمه «شریعت» به معنی راه است و فقیه باید بتواند راهی را که به عدالت می‌رسد، بشناسد.

M. M. Al-Azami, *On Schacht's Origins of Muhammadan Jurisprudence*, p. 8 (King Saudi University, 1985).

۱. بنگرید به منبع مذکور در پاورقی شماره ۷ فوق‌الذکر، ص ۱۸.

۲. معمولاً این نوع اجماع زمانی حاصل می‌شود که در مورد خاصی فقهی فتوایی می‌دهد و از طرف فقهای دیگر نسبت به آن اعتراضی صورت نمی‌گیرد.

۳. بنگرید به منبع مذکور در پاورقی شماره ۷ فوق‌الذکر، ص ۱۸.

۲،۴ حقوق بین‌الملل اسلامی

همان‌طور که فوقاً تأیید شد، شریعت و بزرگی جهانی دارد و اصول آن بر حقوق بین‌الملل اسلامی که روابط خارجی اسلامی را با توجه به منابع و مشروعیت در بر می‌گیرد، حاکم می‌باشد. اگر نقش مهمی را که سیاست خارجی اسلامی همیشه ایفا کرده است در نظر بگیریم، جالب خواهد بود اگر سابقه‌ای در خصوص جنبه‌های اصلی حقوق بین‌الملل اسلامی ارائه کنیم.

نظریه کلاسیک روابط خارجی در اسلام، «سیر» نامیده شده است. سیر به معنی «عملکرد دولت» است^۱ که روابط بین کشورهای اسلامی و غیر اسلامی،^۲ از جمله روابط بین جوامع غیر مسلمان واقع در کشورهای اسلامی را قانونمند می‌سازد. لذا کلمه «خارجی» از نظر ایمانی، نه صرفاً قنصر و سرزمینی، به کار رفته است. روابط بین کشورهای اسلامی در چهارچوب سیر قرار نمی‌گیرد بلکه تحت عنوان جوامع اسلامی یا امت مشخص می‌گردد. منبع و مأخذ حقوق بین‌الملل اسلامی را عمدتاً می‌توان در طول زندگی پیامبر و در روابط بین مسلمانان و غیر مسلمانان یافت. شکل اولیه فعالیت مربوط به روابط بین‌الملل را می‌توان در دولت - شهر مدینه که به وسیله پیامبر در سال ۶۲۲ پایه‌گذاری شد، مشاهده نمود. می‌توان چنین فرض کرد که حضرت محمد(ص) خود به عنوان رئیس دولت، پیمان‌های مودت و معاهداتی منعقد نموده و به منظور کمک متقابل و حفظ بی‌طرفی، با قبایل عرب غیر مسلمان مدارا کرده است. در این زمینه پیمان حدیبیه که به وسیله پیامبر بین دولت - شهر مدینه و اهالی مکه منعقد گردید می‌تواند به عنوان یک نمونه رسمی شناسایی دولت - شهر مدینه مورد توجه قرار گیرد.^۳ همچنین بعضی قواعد عرفی مربوط به رفتار پسر دوستانه ایجاد شد و پاره‌ای موافقتنامه‌ها در مورد روابط صلح آمیز با جوامع بیگانه منعقد گردید.

ارزیابی اینکه با توجه به شرایط صدور عملکرد دولت‌ها و عنصر معنوی عرف، آیا واقعاً حقوق عرفی، اساس و پاینده روابط بین‌الملل اسلامی با جوامع غیر اسلامی بوده است یا خیر، غیر ممکن است. با وجود این، ممکن است این چنین بحث شود که به طور کلی دولت‌های اسلامی در طول قرن‌ها از طریق روابط دیپلماتیک و تماس‌های تجاری گسترده با دیگر دول، باعث توسعه و پیدایش مجموعه‌ای از قواعد عرفی اسلامی و منطبقه‌ای

۱. شگرید، ۹.

M. Khadduri, "International Islamic Law," VI, *Encyclopedia of Public International Law*, p. 227(1983).

۲. شگرید به منبع مذکور در پاروئی شماره ۲۲ فوق‌الذکر، ص ۱۵.

۳. این پیمان به جنگی که به خاطر رقابت ساسی بین دو شهر ایجاد گردید بود پایان داد (پیمان حدیبیه سال ۶۲۸).

شده‌اند. این هنجار داخلی که به وسیله دولت‌های اسلامی در اجرای روابط خارجی‌شان به کار رفته، وضعیت یک سیاست گسترده عرفی را به دست آورده که به عنوان عادت یک شکل و پیوسته دولت‌های مورد نظر درآمده و ویژگی الزام آور یافته است. پیمان پاریس در ۱۸۵۶، که به جنگ‌های کریمه پایان بخشید، نشان دهنده شناسایی یک رفتار مسلم در روابط خارجی اسلامی است.^۱ منابع سیر یا حقوق بین‌الملل اسلامی را باید در اصول بنیادین حقوق اسلامی، بخصوص قرآن و سنت که دو منبع نخستین شریعت می‌باشند، یافت. همچنین منابع اصلی سیر شامل قواعد خاصی است که مستقیماً به روابط خارجی اسلامی مربوط می‌شود. از آن گذشته، منبع دیگر سیر رویه چهار خلیفه اول است که به طور رایج مشهور به خلفای راشدین هستند که جانشین پیامبر بودند. علاوه بر آن، منابع فرعی دیگر حقوق بین‌الملل اسلامی^۲ عبارتند از معاهدات و قراردادهایی که به وسیله حکام مسلمان با غیر مسلمانان بسته شده‌اند، دستورات رسمی خلفا به فرماندهان در میدان و مقامات رسمی دیگر، نوشته‌های فقهای اسلامی برجسته، قانون داخلی کشورهای مسلمان که امور مربوط به سیر را قانونمند می‌کنند، اعلامیه‌های یکجانبه کشورهای مسلمان در خصوص سیر، و به طور بسیار مهم، عرف و رسم. سیر به موضوعات نسبتاً زیادی می‌پردازد که مهمترین آنها عبارتند از وضعیت‌های ناشی از جنگ، رفتار با اسیران و مجروحان، نظریه جهاد، معاهدات بین‌المللی، اصل وفای به عهد، عهدنامه‌های صلح و نهاد امان.^۳ همه این امور خصوصیت کاملاً بین‌المللی دارند.

وقتی در مورد حقوق بین‌الملل اسلامی صحبت می‌شود ضروری است، اگر چه خیلی کلی، نظریه جهاد یا جنگ مقدس، خصوصاً با توجه به ممنوعیت نوسل به رور در حقوق بین‌الملل را مورد بحث قرار دهیم. این امر پذیرفته شده که روابط خارجی در اسلام همیشه بر اساس دکتربینی بوده است که متضمن حالت دائمی جنگ بین کشورهای مسلمان و غیر مسلمان است. ولی رفتار اخیر کشورهای مسلمان نشان می‌دهد که اصول روابط خارجی اسلام متفاوتند و بیشتر اوقات تصورات غلطی درباره آنها وجود داشته است. از آغاز جامعه اسلامی، فقهای مقتدر اسلام جهان را به دو قسمت تقسیم کرده‌اند: دارالاسلام یا سرزمین‌های جهان اسلام و حوامع غیر اسلامی تحت حاکمیت اسلام، و دارالحرب یا بقیه جهان، که قلمرو جنگ هم لحاظ می‌گردد.^۴ منظور اسلام این بوده که دارالحرب را از

۱. بنگرید به منبع مذکور در باورقی شماره ۲۲ فوق‌الذکر، ص ۴۰.

۲. همان منبع، ص ۱۶.

۳. بنگرید به منبع مذکور در باورقی شماره ۲۸ فوق‌الذکر، ص ۲۲۸.

طریق جهاد، که از نظر تحت اللفظی بمعنی حداکثر تلاش یک فرد است، تحت کنترل جامعه اسلامی درآورد.^۱ فقهای که از شکل کلاسیک این دکترین پیروی نمودند از مبارزه دائمی به منظور تحمیل برتری اسلام بر سرزمین غیر معتقدان حمایت کردند. در مجموع، الهیون تا اواسط قرن نوزدهم طرفدار نظریه کلاسیک جهاد بودند.^۲ ولی زبان قرآن و مرور دیگر منابع، چنین از دیدگاهی حمایت نمی‌دهد و شیوه خود پیامبر تصدیق می‌کند که اساس روابط خارجی اسلام منحصرأ جهاد نبوده است. وقتی که مفهوم یک دولت جهانی به تدریج شروع به از بین رفتن کرد، کشورهای اسلامی در برابر کشورهای غیر اسلامی نیز دستخوش تغییر قرار گرفتند.

اسلام بعد از قرن دهم دیگر نتوانست گسترش یابد^۳ و نظام غیر متمرکز جدید مفهوم متفاوتی را از روابط خارجی اسلام متصور ساخت. اعتبار تئوری کلاسیک جهاد توسط فقهای معاصر مورد تردید قرار گرفت و تفسیر جدیدی از این دکترین گسترش یافت که امروزه هنوز مورد بحث است. بعضی از آیات قرآن در سوره ۱۱ (هود) می‌فرمایند، در برابر یک عمل غلط یا تجاوز علیه مسلمین، به جهاد مقدس می‌توان مبادرت ورزید، نه به خاطر منفعت مادی یا قدرت بلکه به عنوان اعمال حق دفاع مشروع. اجبار در مذهب توسط اسلام نهی شده است^۴ و این امر تأیید می‌کند که جهاد وسیله‌ای برای تحمیل عقیده بر غیر معتقدان نیست.

خلاصه بحث فوق‌الذکر این است که حقوق بین‌الملل اسلام دارای سه ویژگی است که آن را متمایز می‌سازد: اولاً، حقوق بین‌الملل اسلام ماهیت یگانه دارد. قبل از هر چیز اسلام در هر زمینه‌ای به شریعت به عنوان آنچه حاوی هنجارهای معتبر است نگاه می‌کند. بنابر این، جهانشمولی حقوق در روابط بین حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل نیز منعکس شده است.^۵ ثانیاً، سیر شاخه‌ای از شریعت است. قوانینی که مربوط به روابط خارجی اسلام می‌باشد متعلق به حقوق اسلام است و سیر ماهیت الزام آوری نسبت به تمام جامعه اسلامی دارد. ثالثاً، فلسفه اسلام امکان روابط خارجی را با جوامع غیر اسلامی بر اساس صلح مشخص می‌نماید، و صلح حالت عادی روابط بین‌الملل اسلام است، در حالی که جهاد به عنوان یک وسیله تدافعی، نه تهاجمی، مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱. بنگرید به منبع مذکور در باورقی شماره ۲۲ فوق‌الذکر، ص ۲۲.

۲. همان منبع، ص ۳۷.

۳. بنگرید به منبع مذکور در باورقی شماره ۲۸ فوق‌الذکر، ص ۲۳۱.

۴. بنگرید به:

H. Mehrpour, "Islam of Freedom of Thought and Speech," *X(4) Iranian Journal of International Affairs* p. 456(1998-1999).

۵. بنگرید به منبع مذکور در باورقی شماره ۲۲ فوق‌الذکر، ص ۴۹.

۵. ملاحظات پایانی در مورد د.ب.د.ا.

نظام حقوقی بین‌المللی واجد ساختار سلسله‌مراتبی یا عمودی نیست و نهاد مرکزی قضایی در رأس آن قرار ندارد.^۱ در این رابطه هنوز به دیوان بین‌المللی دادگستری سازمان ملل متحد، به عنوان بالاترین مقام در امور مربوط به حقوق بین‌الملل عام، قدرت تجدید نظر در باب تصمیمات دادگاه‌های بین‌المللی دیگر اعطا نشده است. البته فقدان یک «دیوان عالی جامعه بین‌المللی» به دلیل عدم اراده کشورهای در تشکیل چنین ارگانی است.^۲ در عوض، کشورهای تمایل خود را به تأسیس مراجع قضایی جدید در درون ساختار سازمان‌های بین‌المللی یا در درون مراکز قضایی دیگر، برای اینکه مورد به مورد، در باب دعاوی بر اساس قانونی که نسبت به آن دعاوی لازم‌الاجرا است تصمیم‌گیری کنند، نشان داده‌اند. دیوان بین‌المللی حقوق دریاهای (ITLOS)، هیأت‌های حل اختلاف سازمان تجارت جهانی (WTO)، معاهده انجمن تجارت آزاد آتلانتیک شمالی (NAFTA)، دیوان کیفری بین‌المللی آینده (ICC) و بسیاری از دادگاه‌های خاص دیگر در زمینه حقوق بشر، نشان دهنده تعداد زیاد مراجع حل و فصل اختلافات بین‌المللی است که در حال حاضر فعالیت می‌کنند.^۳ دیوان بین‌المللی دادگستری اسلامی در این دسته قرار می‌گیرد. همچنین این امر نشان‌دهنده اراده گروهی از کشورهاست که تمایل دارند تحت یک نظام خاص قضایی قرار گیرند. این امر چهارچوبی جایگزین برای حل و فصل مسأله‌آمیز اختلافات بین‌المللی محسوب می‌شود. تفسیر و اجرای هنجارهای قابل اجرا در مورد د.ب.د.ا. شاید باعث همبستگی بلوک کشورهای مسلمان که در سراسر جهان پراکنده‌اند گردد و راه همکاری و همبستگی آینده را هموار کند. در خصوص دادگاه اسلامی، نهمین اجلاس سران کنفرانس اسلامی در دوحه، قطنامه شماره P-۵۹/۹ را در مورد د.ب.د.ا. پذیرفت و درخواست تسریع در روند تأسیس دیوان را نمود و از دولت‌های عضو که اساسنامه دادگاه اسلامی را تصویب نموده‌اند تقدیر به عمل آورد. قطنامه همچنین از اعضای که تاکنون اساسنامه را تصویب نکرده‌اند درخواست نمود که آیین تصویب را به سرعت تکمیل کنند. کار تصویب دادگاه اسلامی هنوز در حال پیشرفت است. طرح د.ب.د.ا. شاید

۱. بنگرید به:

P. Malanczuk, *Akehurst's Modern Introduction to International Law*, p. 3 (7th revised edition, 1997).

۲. بنگرید به:

J. J. Charney, "The Impact on the International Legal System of the Growth of International Courts and Tribunals", 31(IV) *NYU Journal of International Law and Politics*, pp. 697-698 (1999).

۳. بنگرید به:

D. Kingsbury, "Foreword: Is the Proliferation of International Courts and Tribunals a Systematic Problem?", 31(IV) *NYU Journal of International Law and Politics*, p. 680 (1999).

به خاطر وضعیت سیاسی ناشی از جنگ سرد با کندی مواجه شد اما حتی بعد از پایان جنگ سرد فعالیت‌ها برای ایجاد آن به طور قابل ملاحظه‌ای به تأخیر افتاده است. به نظر می‌رسد تعداد کم اسناد تصویب شده تاکنون فقدان، اراده واقعی کشورهای عضو را در جهت تکمیل روند تأسیس دادگاه اسلامی نشان می‌دهد.

نقطه ضعف س.ک.ا. اختلافات عمیق فرهنگی، اقتصادی و تجارب سیاسی میان کشورهای عضو است. اسلام تنها وسیله همبستگی و پیوند آنها را به یکدیگر نشان می‌دهد. به علاوه، و مهمتر از همه، از دیدگاه تأسیسی، با توجه به تعداد زیاد اعضای س.ک.ا. و موقعیت استراتژیکی که آنها در دریا‌های بین‌المللی و مسیرهای هوایی دارند این سازمان از قدرت کافی^۱ در امور بین‌المللی آن‌گونه که شایسته آن است برخوردار نمی‌باشد. س.ک.ا. فاقد رکن اجرایی^۲ شبیه شورای امنیت سازمان ملل متحد است و گرچه پیشنهاد تشکیل چنین نهادی قبلاً در ششمین اجلاس سران که در سال ۱۹۹۱ در داکا و در هفتمین اجلاس کنفرانس در کازابلانکا در سال ۱۹۹۴ تشکیل شد، مطرح گردید، ولی به هیچ راه حل اساسی منتهی نشد. علی‌رغم همه موانع در خلال تقریباً سی سال عمر س.ک.ا.، ایده همبستگی اسلامی در بسیاری از زمینه‌ها^۳ به درجه بالایی از پیشرفت نائل شده است و سازمان از سناریوی تغییر جنگ سرد به حالت عادی‌سازی روابط دیپلماتیک، در امان مانده است. من شخصاً معتقدم که ایجاد دادگاه اسلامی متکی به اراده کشورهای عضو در جهت افزایش کارایی سازمان و چهارچوب داخلی آن خواهد بود. چنین فرآیندی باید زمینه استقلال کامل نظام قضایی مورد نظر س.ک.ا. را مهیا سازد و نهایتاً نقش سازمان را در جامعه بین‌المللی افزایش دهد.

۱. بنگرید به:

F. Syed, *Structural Reform in the OIC*, IX(3) *Iranian Journal of International Affairs*, p. 382(1997)

۲. بنگرید به:

M. J. Zarif, *The Need for Reforms in the Organization of the Islamic Conference*, IX(3) *Iranian Journal of International Affairs*, p. 374(1997).

۳. این امر خصوصاً در زمینه همکاری اقتصادی صادق است. مهم‌ترین نحون در این باره موافقتنامه مربوط به تشویق، حمایت و تضمین سرمایه‌گذاری بین کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی است که در تاریخ ۲ فوریه ۱۹۸۸ لازم‌الاجرا گردید. این موافقتنامه یکی از اندک موافقتنامه‌های چندجانبه در خصوص سرمایه‌گذاری است که در حال حاضر در حقوق بین‌الملل در حال اجرا است.

فهرست منابع

- M. Shihab, "Organization of Islamic Conference," *Encyclopedia of International Law*, (1997).
- L. J. Esposito, *Islam and Politics* 108 (University of Syracuse, 1984).
- R. N. Ahari, "The Organization of the Islamic Conference: Positive and Negative Grounds for Future Activities", IX(3) *Iranian Journal of International Affairs*, (1997).
- N. A. Baba, "The Organization of the Islamic Conference: Conceptual Framework and Institutional Structure" IX(3) *Iranian Journal of International Affairs* (1997).
- Distr. General, UN Doc. A/RES/54/7(5 November 1999).
- H. Moimuddin, *The Islamic Conference and Legal Framework of Economic Co-operation among its Member States*, (Oxford, 1987).
- S. Mahmassani, *Falsafat Al-Tashri' Fi Al-Islam (The Philosophy of Jurisprudence in Islam)*, translation by Farhat J. Ziadeh, (Leiden: Brill, 1961).
- M. M. Al-Azami, *On Schacht's Origins of Muhammadan Jurisprudence*, (King Saudi University, 1985).
- M. Khadduri, "International Islamic Law," VI, *Encyclopedia of Public International Law*, (1983).
- H. Mehrpour, "Islam of Freedom of Thought and Speech," X(4) *Iranian Journal of International Affairs* (1998-1999).
- P. Malanczuk, *Akehurst's Modern Introduction to International Law*, (7th revised edition, 1997).
- J. I. Charney, "The Impact on the International Legal System of the Growth of International Courts and Tribunals", 31(IV) *NYU Journal of International Law and Politics*, (1999).
- B. Kingsbury, "Foreword: Is the Proliferation of International Courts and Tribunals a Systematic Problem?", 31(IV) *NYU Journal of International Law and Politics*, (1999).
- F. Syed, Structural Reform in the OIC, IX(3) *Iranian Journal of International Affairs*, (1997).
- M. J. Zarif, The Need for Reforms in the Organization of the Islamic Conference, IX(3) *Iranian Journal of International Affairs*, (1997).

